

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: یدی محمودی

۱۸ جنوری ۲۰۱۳

آیا اگر آزاد شدم،

قادر خواهم بود این همه محبت و خوبی را جبران کنم!

این بار از طرف هر دوی ما محکومین به اعدام از زندان رجائی شهر در ایران می نویسم. من و لقمان اخبار روزانه فعالیت‌های شما عزیزان، شما عزیز ترین انسانها در زندگیمان را شنیده و روحیه هایمان آفت و خیز و نوسانات بسیار عجیبی را سپری می کند.

خبر این که در ۱۴ شهر اروپا در دفاع از ما تظاهرات شده، در زندان رجائی شهر، عصر روز شنبه از یک رادیو پخش شد و ما این خبر را شنیدیم و همه زندانیان سیاسی که اینجا هستند، بی اختیار برای شما دست زدند. برای همه شما پدران و مادران و جوانان و هم سن و سالهای من که لحظاتی به فکر ما بودید، برای ما گریه کردید و برای نجات جان ما وقت گذاشته و کاری کردید.

اخبار همه حکایت از این دارد که اوضاع به نفع ما دارد عوض می شود. ما امیدوار شده ایم و همین باز بسیار اوضاع را برای من و لقمان سخت تر کرده است. اگر با این امیدواری و روشنائی که به قلبمان و روحمان تابیده، کوتاه نیابند و در زندان باز شود و ما را صدا کنند، چه می کنیم؟ ولی الان خود من طوری هستم که دیگر از این به بعد را فکر نمی کنم. به سادگی امیدوار هستم و همین خوب است.

ما خبر اعتصاب مردم مریوان و خبر این که دوستان و همکلاسی ها و اقوام و فامیل من و لقمان ، برای نجات ما تقلا می کنند و این که شهر دو روز تعطیل بود را با هیجان زیادی تعقیب کردیم. شنیدم که نماز جمعه خالی بود و مردم با نگاهها و رفتارشان کاری کرده اند که حساب دست خلیها آمده ، از همه بیشتر از این که جوانان و هم سن و سالهای ما، برخی خیابانها را بسته و برای نجات ما شعار داده اند، خوشحالمان کرد . شب که می رفتم بخواب تصویر این خیابانها را در ذهنم می آوردم . شهر مریوان، شهر من شهری که در آنجا به دنیا آمده و مدرسه رفته و اولین بار در آنجا عاشق شده ام، آیا این شهر تحمل می کند که ببیند ما را به هیچ می گیرند و می خواهند نابودمان کنند، نه من فکر می کنم که شهر من از من و ما دفاع می کند ، این را به عینه این روزها دیدم و جالب تر این که دیدم دنیا از ما دفاع می کند. از ایرانیان و دوستان و آشنایان که بگذرم، این احساس بسیار خوبی است وقتی شنیدم یک خانم المانی یک آقای سویدی و یا یک زن امریکائی برای نجات ما حرف زده و دوندگی کرده اند، آیا اینها را خواب می بینم؟

می خواهم سلام گرم خودم را به مادرم برسانم که حرفهایش در ایران و در دنیا بسیار سر و صدا کرده. شنیدم که در مریوان و در کردستان نوار حرفهای از ته دل مادر عزیزم دست به دست می گردد، این برایم جای خوشحالی زیادی دارد، این روزها البته مادر دیگری را شناختم و برایش احترام قائلم که بهتر است سلام گرم من را به او برسانید، خانم علاسوندی که دو فرزندش اعدام شده اند و برای نجات ما شجاعانه فعالیت می کند. امیدوارم روزی این دو مادر عزیزم را در آغوش بگیرم.

زنده باشید همه شما و امیدوارم روزی جبران این همه خوبی را بکنم. سلام گرم ما به همه آنهایی که برای نجات ما می کوشند. این اعتراضات را اگر می توانید ادامه دهید تا رسماً اعلام کنند که ما را اعدام نمی کنند. تا ما را آزاد کنند!
لقمان و زانیار مرادی با امید و احترام - زندان رجائی شهر
باز تکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام